

## ثقفی و نشر روایات شیعی در اصفهان

دکتر غلامحسین اعرابی  
استادیار دانشگاه قم

### چکیده

جریان عداوت با اهل بیت (ع) با تلاش‌های همه‌جانبه حاکمان و راویان وابسته به بنی‌امیه به شهرهای مختلف از جمله اصفهان راه یافت و با نشر روایات جعلی جریان فکری «نواصب» عمق و شیوع بیشتری داشت. در این مقاله به چگونگی پیدایش نواصب، دیدگاه‌ها و شگردهای آنان پرداخته، آنگاه نقش ثقفی، دانشمند و محدث شیعی قرن سوم هجری، در مقابله با نواصب و هجرت وی به اصفهان و آثار علمیش بررسی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: اصفهان، نواصب، راویان ناصبی، ثقفی، آثار ثقفی.

### ۱. مقدمه

اصفهان یکی از نواحی مهم و پر جمعیت ایران است که از دیرباز، مرکز ادیان، مذاهب و گرایش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است؛ ولی مذهب تشیع در این شهر تا زمان صفویه از نفوذ چندانی برخوردار نبوده است. پس از ورود اسلام به این شهر دو مذهب حنفی و شافعی از طرفداران بیشتری برخوردار شده و در تحولات اجتماعی و سیاسی و درگیری‌های مذهبی از ارکان عمده این ناحیه ایران شمرده می‌شدند. این دو

مذهب علاوه بر رقابت و درگیری‌های داخلی گاه با دشمنان خارجی نیز برضد یکدیگر همدست می‌شدند؛ برای مثال در حمله تاتار به اصفهان و پس از آن که در فتح اصفهان ناکام ماندند؛ شافعی‌ها به پسر چنگیز گفتند: ما شهر را به شما تسلیم می‌کنیم، به شرط آن که حنفی‌ها را به قتل رسانید؛ پس از آن خود نیز به جنگ با حنفیان پرداخته و تعداد زیادی از دو طرف کشته شدند و تاتار پس از ورود به شهر، هر دو طایفه را مورد هجوم و کشتار قرار دادند (صافی، ج ۲، ص ۴۲۳).

در چنین فضایی که جهل، تشنت و اختلاف رواج داشت، جریان نصب و عداوت با اهل بیت (ع) رشد کرد و تا قرن یازدهم هجری تداوم یافت. آورده‌اند، روایاتی که در سرزنش اصفهان وارد شده از قبیل «ما احسن او ما اقلح اصفهانی قط» ناظر به وجود نواصب در اصفهان بوده است (قمی، شیخ عباس، ج ۱، ص ۱۳۹). علامه مجلسی از جمله کسانی است که چنین تحلیلی درباره این روایات دارد (مجلسی، ج ۴۱، ص ۳۰۱).

نقل شده است که پس از دستور عمر بن عبدالعزیز مبنی بر منع لعن حضرت علی (ع) مردم اصفهان از والیان خود مهلت چهار روزه‌ای خواستند تا بتوانند برای آخرین بار یک چله به نفرین حضرت پردازند (ثقفی، ج ۱، ص ۳۵). این گزارش‌ها همان‌گونه که مجلسی اظهار کرده به زمانی مربوط است که نواصب در اصفهان از قدرت و جمعیتی برخوردار بوده‌اند.

داستان نصب و عداوت این مردم نسبت به اهل بیت (ع) و غلو آنان نسبت به معاویه را نویسندگان غیر شیعی نیز نقل کرده‌اند؛ از جمله: مقدسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم نوشته است: «و فی اهل اصفهان بله و غلو فی معاویه...» (مقدسی، ص ۳۹۹). وی سپس به نقل داستان‌هایی در این مورد پرداخته است.

## ۲. نواصب، شکل‌گیری و دیدگاه‌ها

در تعریف نواصب و تقریباً مصادیق آنان، بین نویسندگان شیعه و سنی اختلافی نیست. نواصب کسانی‌اند که نسبت به حضرت علی (ع) (از این تمییه، ج ۵، ص ۴۶۶) و اهل بیت (ع) بغض و عداوت دارند (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۸۵). البته بیشتر نویسندگان اهل سنت نواصب را المبغضون لعلی (ع) خوانده‌اند (ذهبی، ج ۱۷، ص ۱۶۹) و از سایر اهل بیت (ع) نام نبرده‌اند.

شکل‌گیری نواصب به عنوان یک جریان فکری فعال و ستیزه‌جو با اهل بیت (ع) به

قتل عثمان و خلافت حضرت علی(ع) برمی‌گردد که عده‌ای به عنوان شیعه عثمان به معاویه پیوسته، ستیز با حضرت علی(ع) را آغاز کردند(ابن تیمیه، پیشین). برخی نیز پیروان معاویه در جنگ صفین را ناصبی معرفی کرده‌اند(ابن حجر، ج ۱۳، ص ۵۳۷). گرچه برخی شکل‌گیری جریان فکری نواصب را به شیعیان عثمان و معاویه مربوط می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد، آن به رقابت قومی بنی‌امیه با بنی‌هاشم قبل از ظهور اسلام باز می‌گردد. در این مورد، کتاب *النزاع و التخاصم* مقریزی، برخی از قرائن تاریخی را نشان داده‌است که حاکی است، این جریان فکری تنها با حضرت علی(ع) و اهل بیت(ع) او عناد نداشته، بلکه تبلور کینه‌های ریشه‌دار قومی و جاهلی بنی‌امیه با بنی‌هاشم، پیامبر اسلام(ص) و اصل دین اسلام بوده‌است.

نواصب فعالیت‌های مستمر و دیدگاه‌های خود را به این نحوه بروز دادند:

۱. به معاویه و بنی‌امیه عشق می‌ورزیدند تا آنجا که آورده‌اند: نواصب اصفهان قائل به رسالت معاویه و خلفای سه‌گانه گردیده، هر که آن را انکار می‌کرد، از او در شگفت می‌شدند(امینی، ج ۱۰، ص ۳۳۵).
۲. محبت یزید را شعار خود قرار داده، خلافت حضرت علی(ع) را انکار می‌کردند(ابن کثیر، ج ۶، ص ۱۹۳-۲۲۹).
۳. از حضرت علی(ع) تبری جسته، او را تفسیق و تکفیر می‌کردند(سلیمان بن محمد بن عبد الوهاب، ج ۱، ص ۱۰۷).
۴. اعتقاد داشتند که حضرت علی(ع) در جنگ‌هایی که کرده‌است، بر حق نبوده‌است(ابن حجر، ج ۱، ص ۵۴۳).
۵. از عمر سعد و قاتلان امام حسین(ع) ستایش می‌کردند(ابن تیمیه، ج ۲، ص ۴۶).
۶. روز عاشورا را عید قرار می‌دادند و در آن ابراز شادی می‌کردند و جشن می‌گرفتند(همو، ج ۸، ص ۱۵۳). ابن تیمیه ایسن رفتار را بدعتی از سوی نواصب دانسته‌است(کتب و رسائل ابن تیمیه فی الفقه، ج ۲۵، ص ۳۰۹).
۷. بر ضد اهل بیت(ع) روایت جعل می‌کردند(امینی، ج ۵، ص ۲۹۴).
۸. به مناسبت، بر ضد اهل بیت(ع) طنز می‌گفتند(رحمانی، ص ۵۸۴).

## ۳. راویان ناصبی مذهب

پس از نامه معاویه به کارگزارانش، مبنی بر جعل روایات بر ضد اهل بیت (ع) و نشر آنها در میان مردم (ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۵)، راه جعل حدیث به روی راویان ناصبی باز گردید و تعداد آنان رو به فزونی گذاشت تا آنجا که حدود شصت نفر راوی ناصبی در بین رجال صحیح بخاری نیز به چشم می خورد (معروف حسینی، ص ۱۷۲).

راویانی از قبیل اُسد بن وداعه، ابوبکر محمد بن هارون، خالد قسری، اسحاق بن سوید، نعیم بن ابی هند، أزر بن عبدالله حمصی، حریر بن عثمان و ربیعة بن یزید از جمله ده‌ها راوی ناصبی هستند که دشمنی خود را با حضرت علی (ع) آشکارا بیان می کردند (ابن فرحان، ص ۲۱۱؛ ابن حجر، ص ۲۰۴؛ رحمانی، ص ۵۸۴؛ حسن بن سقاف، ص ۵۷؛ مبارکفوری، ج ۹، ص ۳۱۰؛ امینی، ج ۵، ص ۲۹۴؛ بغدادی، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ابن حجر، ج ۲، ص ۴۷۷؛ ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۹۳).

عناد و دشمنی برخی از این راویان مثل حریر بن عثمان تا آن جا بود که هر صبح و شام هفتاد بار حضرت علی (ع) را نفرین می کردند (ابن عقیل، ص ۱۱۷). اسحاق بن سوید می گفت: من علی را دوست ندارم (امینی، ج ۵، ص ۲۹۴)؛ در عین حال ابن سعد او را ثقه دانسته است (ابن سعد، ج ۷، ص ۲۴۳).

برخی از راویان ناصبی روایات متواتر درباره فضیلت حضرت علی (ع) را مورد اشکال قرار داده‌اند. به عنوان نمونه حریر بن عثمان گفته است: «حدیث منزلت (یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی) راست است؛ ولی شتونده اشتباه کرده است؛ چون اصل روایت «بمنزلة قارون من موسی» است و او قارون را هارون شنیده است (بغدادی، ج ۸، ص ۲۶۲؛ مزی، ج ۵، ص ۵۷۷؛ ابن عساکر، ج ۱۲، ص ۳۴۹).

برخی از این راویان از شجاعت حضرت علی (ع) در قتل معاندان به طنز یاد می کردند. از آن جمله است، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی که ابن عساکر او را از حافظان منصف شمرده است، روزی در حالی که اصحاب حدیث در آستانه خانه اش جمع شده بودند، کنیزی را دید که مرغی را در دست گرفته و کسی را نمی یابد که آن را ذبح کند، گفت: سبحان الله کسی پیدا نمی شود که مرغی را بکشد، ولی علی در یک نصف روز

بیش از بیست هزار نفر را کشت (ابن عساکر، ج ۷، ص ۲۸۱).

نوشته‌اند که او فردی ناصبی و بی‌پروا در بدگویی نسبت به پیشوایان شیعی بود و لذا دانشمندان رجال گفته‌اند: به اتهاماتی که وی به راویان کوفی وارد کرده‌است، نباید توجه کرد (ابن سقاف، ص ۵۷).

می‌توان گفت که بنی‌امیه به کمک این‌گونه راویان توانستند، بسیاری از مردم را از محبت اهل‌بیت (ع) منحرف کنند و جریان نصب را به دورترین شهرهای اسلامی از جمله اصفهان بکشانند.

در چنین فضایی راویان شیعه تلاش خود را در جهت تنویر افکار و هدایت مردم آغاز و برخی از آنان کارهای شجاعانه‌ای کردند که هجرت ثقفی از کوفه به اصفهان را می‌توان از آن جمله برشمرد.

#### ۴. ثقفی و هجرت به اصفهان

ابو اسحاق ابراهیم بن ثقفی کوفی، از احفاد سعید بن مسعود، عموی مختار بن ابو عبیده‌است که حضرت علی (ع) او را والی مداین قرار داده بود و ولایت او در زمان امام حسن (ع) نیز ادامه داشت (قمی، شیخ عباس، ص ۲۷۰).

ثقفی زیدی مذهب بود و بعد از آن به مذهب شیعه اثنی عشری گرایید و کتاب‌های بسیاری تألیف کرد. در مورد انگیزه هجرت وی به اصفهان نوشته شده، وقتی کتاب *المعرفة* خود را تألیف کرد، به لحاظ این که در آن روایاتی در مثالب خلفا آورده بود، راویان کوفی به او توصیه کردند که روایات این کتاب را از بیم نواصب منتشر نسازد؛ ولی ثقفی توصیه آنان را نپذیرفته، پرسید کدام شهر از معارف شیعه دورتر و بیگانه‌تر است؟ گفتند: اصفهان. پس سوگند یاد کرد که آن کتاب را جز در اصفهان روایت و منتشر نکند. از این رو به اصفهان هجرت کرد و در آنجا روایات فضائل اهل‌بیت (ع) و مثالب صحابه را نشر داد (نجاشی، ص ۱۶-۱۷).

به نظر می‌رسد کار ثقفی در اصفهان از چنان تأثیری برخوردار شده بود که آوازه‌اش به قم رسید و جماعتی از راویان بزرگ قمی جهت دعوت از وی برای هجرت به قم، به

اصفهان رفتند (بروجردی، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ اما او به سوگندی که خورده بود، پایبندی نشان داد و این دعوت را نپذیرفته، همچنان در اصفهان باقی ماند و در سال ۲۸۳ ق وفات کرد (همان).

### ۵. آثار و تألیفات ثقفی

برای ثقفی تألیفات فراوانی را بالغ بر پنجاه عدد یاد کرده‌اند؛ از جمله:

اخبار المختار، تفسیر القرآن، الجامع الصغیر و الکبیر فی الفقه، کتاب الامامة، اخبار البيعة، اخبار الحجّة، اخبار الحوض و الشفاعة، اخبار الحكمين، اخبار الدلائل، اخبار الردة، اخبار السرائر، اخبار الثورى، اخبار الصفيين، اخبار الغارات، اخبار المتقين، اخبار المعرفة، اخبار المغازى، اخبار المودة فى ذوى القربى، اخبار النهر (پاشا بغدادى، ج ۱، ص ۳-۴)، اخبار المبتدأ، اخبار المعرفة، فضل الافضل، اخبار السيرة، اخبار مقتل عثمان، اخبار بيعة على (ع)، كتاب الجمل، كتاب الصفيين، كتاب مقتل امير المؤمنين (ع)، كتاب رسائله و اخباره (ع)، كتاب قيام الحسن (ع)، كتاب مقتل الحسين (ع)، كتاب التوايين، كتاب فدك، كتاب ما نزل من القرآن فى امير المؤمنين (ع)، كتاب فضل الكوفة و من نزلها من الصحابة، كتاب المتعنين، كتاب الجنائز (نجاشى، ص ۱۶-۱۷)

شرح حال ثقفی بیانگر دانش وسیع، همت بلند، اخلاص در تشیع و شجاعت وی در تبلیغ روایات و نشر معارف شیعی است.

### ۶. نتیجه

نواصب به طور عمده بر دشمنان امام علی (ع) اطلاق می‌شود. ریشه دشمنی این گروه با علی (ع) در اصل به عداوت‌ها و کینه‌های جاهلی میان بنی امیه و بنی هاشم برمی‌گردد؛ اما ظهور آن در تاریخ اسلام به زمان قتل عثمان و خلافت علی (ع) مربوط می‌شود. دشمنی آنان با علی (ع) موجب شد، احادیثی را بر ضد او جعل کنند و نسبت به او و خاندانش ناسزا بگویند و فضائل آن حضرت را مجعول بشمارند و از نقل آنها جلوگیری کنند. رویان ناصبی حتی در کتاب‌های معتبر اهل سنت مثل صحیح بخاری نیز به چشم

می‌خورند. رفتار این گروه برخی از دستداران اهل بیت (ع) مثل ثقفی را به مقابله برانگیخت و او در ناصبی‌ترین شهرها در عصر خود یعنی اصفهان به نشر فضائل اهل بیت (ع) پرداخت.

#### منابع

- ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، قم، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۳۷۸ق  
ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم حرانی؛ منهاج السنة النبویة، ج ۱، مؤسسة قرطبة، ۱۴۰۶ق  
ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم حرانی؛ کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه، مکتبه ابن تیمیه  
ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۲، بیروت، دارالمعرفة  
ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق  
ابن سعد، محمد؛ الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر  
ابن سقاف، حسن بن علی؛ ارغام المبتدع، ج ۲، اردن، دار الامام النووی، ۱۴۱۲ق  
ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق  
ابن عساکر، ابو القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله؛ تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵  
ابن عقیل، سید محمد؛ النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية، ج ۱، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۲ق  
ابن فرحان، حسن؛ نحو انقاذ التاريخ الاسلامی، ریاض، مؤسسة الیمامة الصحفية، ۱۴۱۸ق  
ابن کثیر، اسماعیل؛ البداية و النهاية، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق  
امینی، عبد الحسین؛ الغدير فی الكتاب و الادب و السنة، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۹ق  
بروجردی، سید علی؛ طرائف المقال، ج ۱، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق  
ثقفی، ابراهیم بن محمد؛ الغارات، قم، چاپخانه بهمن  
پاشا بغدادی، اسماعیل؛ هدیة العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی  
خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی؛ تاریخ بغداد او مدینة الاسلام، ج ۱، بیروت، دارالکتاب  
العلمیة، ۱۴۱۷ق  
ذهبی، شمس الدین؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق  
رحمانی، احمد؛ الامام علی (ع)، ج ۱، تهران، المنیر للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق

- سليمان بن عبد الوهاب؛ تيسير العزيز الحميد في شرح كتاب التوحيد، رياض، مكتبة الرياض الحديثة شهيد ثاني، زين الدين؛ الروضة البهية، ج ١، قم، انتشارات داوری، ١٤١٠ق
- صافي، آيت الله لطف الله؛ مجموعة الرسائل قمی، شيخ عباس؛ الكنى واللقاب، تهران، مكتبة الصدر
- قمی، شيخ عباس؛ تنمة المنتهى، تهران، كتابخانه مركزی
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، ج ٢، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق
- مزی، ابو الحجاج، يوسف؛ تهذيب الكمال في أسماء الرجال، ج ٤، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق
- معروف حسینی، هاشم؛ دراسات في الحديث والمحدثين، ج ٢، بيروت، دارالتعارف، ١٣٩٨ق
- مقدسی، شمس الدين؛ أحسن التقاسيم في معرفة الأقاليم
- مقريزي، تقی الدين احمد بن علی؛ النزاع والتخاصم، مصر، المطبعة الابراهيمية، ١٩٣٧ق
- نجاشی، ابو العباس، احمد بن علی؛ فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ج ٥، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤١٦ق

پڑھیں نامہ قرآن و حدیث  
پرتال جامع علوم انسانی  
پڑھیں نامہ قرآن و حدیث